



Criticism of the Orientalists' point of view about the origin of Shi'ism; with an emphasis on the Shia article in the Encyclopedia the Holy Qur'ān(Leyden)

Tarlan Saifullayev *

Abstract

Orientalists have presented different views about the origin of Shiism which can be classified into two categories.

The first group believes that it was created during the lifetime of the Prophet (PBUH). But some of them have considered Shiism to be the result of political and intellectual developments and events after the death of the Prophet(PBUH). Matching the views of Orientalists with the principles of Shiism is the main issue in this study. In this research, using Islamic sources and descriptive analytical method, the point of view of Orientalists has been evaluated. The findings of the research show that the view of those Orientalists who think that Shiism is merely a product of political and intellectual developments and events after the death of the Prophet (PBUH) is inaccurate and not compatible with the principles of Shiism.

Keywords: the emergence of Shiism during the period of Prophet (PBUH), the emergence of Shiism after the departure of the Prophet (PBUH), criticism of the opinions of Orientalists.

* PhD student in Quran and Orientalists - Al-Mustafa International University:
seyfullayev.tarlan@mail.ru



نقد دیدگاه مستشرقان در باب منشأ پیدایش تشیع؛ با تأکید بر مقاله شیعه در

دائرة المعارف قرآن لایدن*

ترلان سیف الله او*

چکیده

در باره منشأ پیدایش تشیع مستشرقان دیدگاه های مختلف ارائه داده اند که به دو دسته قابل دسته بندی است. دسته ی اول قائل اند که در زمان حیات پیامبر (ص) به وجود آمده است. اما برخی از آنان تشیع را زائیده تحولات و حوادث سیاسی و فکری بعد از رحلت پیامبر (ص) دانسته اند. تطبیق آرای مستشرقان با مبانی تشیع مسئله اصلی در این پژوهش است. در این پژوهش با استفاده از منابع اسلامی و روش توصیفی تحلیلی دیدگاه مستشرقان مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که دیدگاه آن دسته از مستشرقانی که تشیع را صرفاً زائیده تحولات و حوادث سیاسی و فکری پس از رحلت پیامبر (س) می پندارند، غیر دقیق بوده و با مبانی تشیع سازگاری ندارد.

واژگان کلیدی: مستشرقان، پیدایش تشیع، شیعه، دائرة المعارف لایدن

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

*دکترای قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی (ص) العالمیه: seyfullayev.tarlan@mail.ru



مقدمه

در تاریخ سخن گفتن از یک حادثه و موضوع سیاسی اجتماعی بدون توجه به عوامل و زمینه های تشکیل و تکوین آن بسیار مشکل است. این از آن جهت است که برای تحقیق و بروز یک رویداد تاریخی عوامل زیادی دست به دست هم می دهند و زمان درازی را می پیمایند تا به اصل حادثه برسند بر این اساس اگر محققى بخواهد واکنشی اجتماعی و سیاسی را بعنوان یک موضوع تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد ناگزیر است علل و وقوع آن ماجرا را در ریشه ها و عوامل پیشین بیابد در واقع این واکنش های سیاسی اجتماعی بوده اند که واکنش های طبیعی آن به صورت حادثه ای تاریخی تجلی یافته است. تشیع به عنوان یک مذهب، همیشه در سرتاسر تاریخ کامل اسلام، یک جریان بحث انگیز و حاد بوده است. تشیع یکی از جنبه های مهم بررسی عمومی کل تاریخ اسلام است که در اصطلاح فقها و متکلمین اعم از پیشینیان و پسینیان بر پیروان علی (ع) و فرزندان او (ع) اطلاق می شود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ۱۳۸).

امروزه آیین شیعه در عرصه جهانی به خصوص جهان اسلام به عنوان مذهبی تأثیر گذار بر تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مسلمانان شناخته می شود. لذا مذهب تشیع مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران در سراسر دنیا به ویژه مستشرقان قرار گرفته و روند نگارش مقاله، کتاب و تأسیس مراکز پژوهشی در این زمینه در سالهای اخیر رو به افزایش است. خاورشناسان چه در دوره هجوم استعماری و چه در دوران معاصر که نگاهی به اصطلاح علمی به اسلام و بخصوص تشیع دارند، کلامشان بار معنایی خاصی دارد. مؤید این مطلب را می توان به وضوح در مقاله آقای اتان کلبرگ با نام از امامیه تا اثنی عشریه را دید. (فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۷۴ش، ۲۰۱-۲۲۰) نگاهی که مستشرقان در پیدا شدن مذهب شیعه دارند، تشیع را يك مكتب همه جانبه به صورت امروزه از آغاز رسالت پیامبر(ص) نمی دانند. بلکه معتقدند تشیع به تدریج در يك فرایند زمانی شکل و تکامل یافت. این اعتقاد خلاف عقیده شیعه و حتی برخی نقلیات منابع سنی است. لذا در این تحقیق با روشی تحلیلی به موضوع نگاه می شود.



تعریف واژه مستشرق

شرق شناسی که در زبان فارسی خاورشناسی و در زبان عربی استشرق و در انگلیسی (Orientalism) خوانده می شود، مطالعه و پژوهش درباره تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد و... همه جنبه های مربوط به شرق است.

از نظر ادوارد سعید:

تعریف شرق شناسی آن است که بر اساس آن هر کس که به تدریس، نوشتن و پژوهش پیرامون شرق پردازد، چه انسان شناسی باشد و چه جامعه شناسی و یا تاریخ، شرق شناسی خواهد بود. (ادوارد سعید، ۱۳۹۵، ۱۵).

پیشینه شیعه پژوهی از سوی مستشرقان

آشنایی خاورشناسان و غربیان با اسلام و تشیع به صورت رسمی به زمان جنگ های صلیبی باز می گردد. (الدسوقی، ۱۳۷۶، ۶۳؛ عبداللهی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۶۴-۶۷). اما گزارش های تاریخی حاکی است که ارتباط بین دولت های شیعی و مستشرقان، در قبل از این برخورد نیز صورت گرفته است. از قرون وسطی به بعد، مستشرقان با اهداف عمدتاً سیاسی (عبد اللهی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۶۱) به شیعیان بیشتر توجه می کردند. لذا کار علمی منظمی در این دوره صورت نگرفته است.

چنان که در آثار افرادی چون مارکو پولو و... و برخی سفرنامه ها، تنها اطلاعات پراکنده ای درباره عقاید و آراء آیین تشیع یافت می شود که در برخی از این گزارشها اشکالات اساسی وجود دارد. به نظر می رسد اینان بیشتر مطالب خود را بر اساس عملکرد عوام از شیعیان (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۶) و گاهی هم از اسماعیلیان و غلات گرفته و این رفتار آنان را، متعلق به شیعه اعتقادی اثنی عشری می دانند. به عبارت دیگر رفتارهای پیروان تشیع (به معنای عام) را معیار عقاید صحیح شیعه امامیه فرض، و آنرا به مکتب تشیع نسبت داده اند. در نتیجه حقیقت مذهب تشیع آن گونه که شایسته است به دنیای غرب، که چشم به دهان مستشرقین خود دوخته اند معرفی نشده است.



هاینتس هالم در تأیید این مطلب می نویسد:

«تحقیقات در مورد شیعه به عنوان یک آیین مستقل هنوز خارج از چارچوب مطالعات کلی اسلامی صورت نگرفته است. مطالعه تطبیقی ادیان به تازگی، شروع به شناخت تشیع کرده است.» (هاینتس هالم، ۱۳۸۵، ۱۹).

رویکردهای اخیر مستشرقان درباره تشیع حاکی از آن است که شیعه پژوهی در غرب همانند اسلام پژوهی مورد توجه قرار نگرفت است. بلکه در سالهای اخیر به این امر توجه مناسبی شده است. در گذشته اگرچه نمی توان همه موارد را استقراء کرد اما انگیزه های اغلب استعماری آنان در نگاه به تشیع بسیار واضح است. در دوران معاصر نیز که تحقیق و پژوهش در این درباره رنگ علمی به خود گرفته در بررسی تعدادی از آثار آنان، نگاه آنان به پیدایش تشیع خیلی تغییر نکرده است.

ولی در سالهای اخیر به صورت گسترده در کرسی های اسلام شناسی و شیعه شناسی، موسسات، نهادها و دانشگاههای مختلف، دانشجویان و اساتید غربی و شرقی در انتهای مقاطع مختلف تحصیلی، مقالات، پایان نامه ها و پروژه هایی درباره تشیع می نویسند.

نظریه مستشرقان درباره خاستگاه تشیع

خاستگاه تشیع موضوعی است بسیار مهم که از سوی مستشرقان و مورخان سنی مذهب مورد توجه قرار گرفته و هر کدام از این پژوهشگران بر اساس تحلیل ها و خط مشی فکری و یا منابع و متون تاریخی و کلامی خود، زمانی را برای آغاز تشیع به عنوان یک حزب سیاسی که در مقابل جریان خلافت اسلامی جبهه گرفته مطرح می کنند. نویسندگان و محققان غربی در تلاش برای معرفی شیعیان از حیث تاریخی و فکری ابتدا تشیع را از نگاه خود شیعیان تعریف و سپس به بحث خواستگاه و پیدایش تشیع از دید و نگاه خود می پردازند و برای این موضوع دلایلی می آورند.



بطور کلی اظهار نظرها، درباره پیدایش شیعه به دو دسته تقسیم می شود:

۱. تشیع ریشه در دوره رسول خدا (ص) دارد

تشیع در زمان حیات پیامبر (ص) به وجود آمده است. (نعمه، بی تا، ۳۰).

در این نگاه، تشیع برخاسته از متن دعوت اسلامی و آغاز آن همزمان با شکل گیری اسلام است. صاحبان این دیدگاه معتقدند که تشیع به عنوان یک جریان اصیل و به معنای اعتقاد به امامت و رهبری منصوص امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) و همگامی با آن امام، نه تنها همزاد و همراه با ظهور اسلام که اساساً جزئی از رسالت پیام آور آن بوده اند. (مظفر، ۱۳۷۹، ۳۳). در دائره المعارف قرآن لایدن مدخل «شیعه» پس از بررسی مفهوم شیعه در قرآن، و بررسی مفاهیم آن در آیات مختلف و بر اساس هم نشینی و جانشینی آن در کنار واژه های مختلف با تکیه به منابع اسلامی در نتیجه اظهار داشته است که هرگاه این واژه با حرف تعریف «ال» و بدون قید دیگری به کار می رود منظور پیروان علی (ع) اند. کسانی که در طول حیات پیامبر (ص) یاور علی (ع) بودند.

۲. تشیع زائیده تحولات و حوادث سیاسی و فکری بعد از رحلت پیامبر

برخی از مستشرقان بر این باوراند که تشیع در عرض دیگر تحولات سیاسی و فکری و رویدادی ناگهانی که بعد از وفات پیامبر (ص) اتفاق افتاد به ظهور رسیده است. صاحبان این نظریه بر اساس نوع و زمان تحولات فکری و سیاسی به چند دسته تقسیم می شوند:

۱. آر، لالانی (و دیگرانی که بعداً ذکر خواهیم کرد) معتقدند تشیع بعد از وفات پیامبر (ص) در روز سقیفه پدید آمده است. (دوایت م. رونالدسن، ۱۴۱۰، ۱۹؛ اشعری سعد بن عبدالله، بی تا، ۱۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۰-۱۴).

۲. یولیوس ولهوزن (و برخی دیگر) می گویند ظهور شیعه در عهد عثمان (و آن هنگام که عده ای به سبب مخالفت با وی قیام کردند) بوده است. به اعتقاد این گروه بعد از این ماجرا، پیروان علی (ع) که همان شیعیان بودند، در مقابل خون خواهان عثمان قرار گرفتند. (هاینتس هالم، ۱۳۸۵، ۱۵).



۳. مونتگمری وات (و گروهی دیگر) اعتقاد دارند که تشیع بعد از جنگ جمل، به وجود آمده است. (ابن ندیم بی تا، ۲۲۳).

۴. اچ. آربری معتقدند این اصطلاح (شیعه) پس از جنگ صفین و در روز خروج خوارج به وجود آمد و کسانی که با علی (ع) پس از آن جنگ در دوستی وفادار و استوار ماندند، شیعه خوانده شدند. (مشکور، ۱۳۶۲، ۴۰)

۵. بروکلمان و برخی دیگر قائلند شیعه در واقعه کربلا به وجود آمده است. (بروکلمان، بی تا، ج ۳، ۳۱۹-۳۲۱).

۶. تشیع زاده افکار عبدالله بن سبأ. (رضوانی، ۱۳۸۲، ۳۴).

برخی از مستشرقان می گویند: همانا شیعه زاده افکار عبدالله بن سبأ یهودی است که تظاهر به اسلام کرد و در عراق و شام در زمان خلیفه سوم مردم را علیه خلیفه می شوراند و تشویق می کرد به قتل خلیفه. آن ها می گویند: ابن سبأ سلسله ای از عقاید یهودی را با بعضی معارف اسلامی خلط کرد و شیعه را ایجاد کرد. او متحرک اصلی برای گسترش عقیده غلو در حق امیرالمؤمنین (ع) بود. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ۵۶).

۷. ادوارد براون پیدایش آنرا از سوی ایرانیان می دانند. (رابرت ا. هیوم، ۱۳۷۷، ۲۴۰ - ۲۹۵-۲۶۵).

۸. شیعه از سیاست سلاطین صفویه. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ۵۶).

برخی تاریخ تشیع را به قرن دهم و نتیجه سیاست صفویان می دانند.

بررسی

باتوجه به شواهد تاریخی و نظر به شواهد قرآنی می توان این دیدگاه را اثبات نمود که تشیع در عصر رسالت پیامبر (ص) ریشه داشته و در سخنان آنحضرت به صراحت اشاره شده است.

براساس دیدگاه شیعیان و برخی از پژوهشگران سنی و شرق شناسان، تشیع در عصر رسول خدا (ص) جریانی اصیل و با ریشه تاریخی بوده است. این نظریه بخش مهمی از کلام



سیاسی شیعه را تشکیل می‌دهد.

الف) منشأ پیدایش تشیع در دیدگاه دانشمندان شیعه

از میان دانشمندان شیعه، کاشف الغطا (م. ۱۳۷۳ ق)، (کاشف الغطاء، ۱۷۳، ۲۰)، محمد رضا مظفر (م. ۱۳۸۳ ق)، (مظفر، ۱۴۱۵، ۲۸-۶۰) محمد حسین زین عاملی، (محمد حسین زین عاملی، ۱۳۸۹، ۳۴) محمد جواد مغنیه، (مغنیه، ۱۳۸۴، ۲۴) عبد الله نعمه، (نعمه، بی تا، ۳۰) و دیگران در آثار خودشان در باره زمان پیدایش تشیع به صورت گسترده بحث کرده اند.

این دسته از تاریخ‌نگار و نویسندگان، درباره زمان پیدایش تشیع بر این باورند که تشیع از زمان پیامبر (ص) آغاز شده است؛ گرچه فعالیت آن به منزله یک حزب و مذهب اسلامی، بعد از رحلت رسول اکرم (ص) و به پیروی از علی (ع) بوده و از این حیث بیشتر شناخته شده‌اند. به اعتقاد محمد حسین کاشف الغطاء، بذرهای تشیع با بذرهای اسلام در یک زمان کاشته شدند (انصاری بویور احمدی، ۱۳۹۱، ۶۲؛ کاشف الغطاء، ۱۳۷۳، ۱۸۴) و محمد حسین مظفر نویسنده شیعی دیگر، بر این باور است که دعوت به تشیع از زمانی آغاز شد که رسول خدا (ص) مردم را به «لا اله الا الله» دعوت فرمود. وی به این سخن رسول خدا استناد می‌کند که فرمود: این برادر، وارث، وزیر و وصی من و جانشین بین شماست، حرف او را بشنوید و اطاعتش کنید. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ۶۲؛ ظاهر، ۲۰۰۲، ۱۴-۱۸)

محمد حسین زین عاملی نویسنده شیعی دیگر، معتقد است که در میان صحابه رسول الله (ص) این چهار نفر، شیعه علی بودند: ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد بن اسود و عمار بن یاسر. (صابری، ۱۳۸۳، ۱۸؛ زین عاملی، ۱۳۸۹، ۴۵).

سعد الاشعری قمی (م. ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) و نوبختی (م. ۳۱۰ ق) از جریان شیعه در زمان پیامبر (ص) یاد کرده‌اند و آن را نخستین فرقه اسلامی می‌دانند. (اشعری، ۱۳۶۰، ۱۵).

ابو حاتم رازی (م. ۳۲۲ ق) نیز در این باره می‌گوید:

شیعه نام گروهی بود که در زمان پیامبر خدا (ص) دوست و همراه صمیمی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بودند و به این نام شناخته می‌شدند؛ مانند سلمان، ابوذر،



مقداد بن اسود، عمار یاسر و دیگران. رسول خدا (ص) درباره اینان که شیعه و یاران علی (ع) خوانده می شدند، فرمود: «بهشت مشتاق چهار نفر است: سلمان، ابوذر، مقداد و عمار». از آن پس تا زمان ما، به هرکس که به برتری علی (ع) معتقد باشد، شیعه اطلاق می شود. (ابو حاتم رازی، ۱۴۱۵، ۲۵۹).

ب) منشأ پیدایش تشیع در دیدگاه مستشرقان مثبت اندیش شوبرت آلمانی می گوید:

رسول اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: «بهترین خلق خدا، تو و شیعیان تو هستی و محل وعده من و شما، کنار حوض کوثر است. وقتی که مردم برای حساب می آیند شما «غَرَّ المحجلین» (فرزانگان برجسته و بزرگ) خوانده می شوید.» (نعمه، بی تا، ۳۰).
 می توانیم تشیع را نتیجه منطقی دعوتی بدانیم که پیامبر بر حسب طبیعت پیدایش آن و شرایط زمانی آن، دعوت را بر عهده داشت.

طرفداران این نظریه، بر این عقیده اند که قدمت تشیع با قدمت اسلام مساوی است. (الهامی، ۱۳۷۵، ۱۳-۱۵؛ سبط الشیخ، ۱۳۶۹، ۲۹، ظاهر، ۲۰۰۲، ۱۸) صاحبان این دیدگاه، معتقدند که تشیع به منزله یک جریان اصیل و به معنای اعتقاد به امامت و رهبری منصوب علی (ع) بعد از پیامبر (ص) و هم گامی با آن امام، نه تنها هم زاد ظهور اسلام که اساسا جزئی از رسالت پیام آور آن بود. (عاملی، ۱۴۲۱، ۱۹؛ کاشف الغطاء، ۱۳۷۳، ۱۸۳؛ الوائلی، ۱۴۲۸، ۲۷؛ ظاهر، ۲۰۰۲، ۱۸).

طبق این نظریه، پیامبر اسلام (ص) در همان آغاز پیدایش اسلام و در واقعه «یوم الدار»، طبق دستور آیه وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعراء/ ۲۱۴) خویشان و عشیره نزدیک خود را انداز بده، افراد طایفه خود را به میهمانی دعوت کرد و از آنان خواست که اسلام بیاورند و خطاب به آنان فرمود: ایکم یوازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم؛ «کدام یک از شما مرا در این کار یاری می دهد تا برادر، وصی و جانشین من در میان شما باشد؟». کسی جز علی (ع) از آن جمع، داوطلب نشد و پیامبر (ص) درحالی که گردن علی (ع) را گرفته



بود، خطاب به میهمانان خود فرمود:

ان هذا اخي ووصيي و خليفتي فيكم فاسمعوا له و اطيعوه؛ (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۳) «این برادر، وصی و جانشین من در میان شماست؛ پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.»

ج) منشأ پیدایش تشیع در دیدگاه دانشمندان اهل سنت

عده ای از اهل سنت زمان پیدایش تشیع را زمان حیات پیامبر اکرم (ص) می دانند. گرچه به صورت آشکار اشاره نکرده اند ولی می شود از نوشته هایشان فهمید که زمان پیدایش تشیع را زمان حیات پیامبر اکرم (ص) می دانند مانند:

۱. طبری ابو جعفر محمد بن جریر می نویسد:

حدثنا ابن حميد، قال: ثنا عيسى بن فرقد، عن أبي الجارود، عن محمد بن علي أولئك هم خير البرية فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «أنت يا علي وشيعتك» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۱۷۱) حضرت پیامبر در باره أولئك هم خير البرية فرمود: یا علی مورد تو و شیعیان تو هست.

۲. ابن عطیه اندلسی می نویسد:

روی حدیث عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قرأ هذه الآية: «أولئك هم خير البرية». ثم قال لعلي بن أبي طالب رضي الله عنه «أنت يا علي وشيعتك من خير البرية»، (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۵۰۸).

۳. حسانى عبيد الله بن احمد می نویسد:

سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَأَنَا مُسْنِدُهُ إِلَى صَدْرِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ - أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ هُمْ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ، وَمَوْعِدِي وَمَوْعِدُكُمْ الْحَوْضُ، إِذَا اجْتَمَعَتِ الْأُمَمُ لِلْحِسَابِ تَدْعُونَ غُرًّا مُحَجَّلِينَ (حسانى، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۵۹). وقتی این آیه شریفه نازل شد حضرت پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: خَيْرُ الْبَرِيَّةِ تو و شیعیان تو هستید.



۴. سیوطی می نویسد:

عن ابن عباس قال لما نزلت إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ قَالَ رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلی هو أنت و شیعتک يوم القيامة راضین مرضیین (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۹).

۵. محمد کرد علی می نویسد:

در میان صحابه رسول الله (ص) شیعیان علی (ع) وجود داشتند و آنان سلمان فارسی، عمار یاسر، ابوذر غفاری، حذیفه بن یمان، حزیمه بن ثابت، ابویوب انصاری، خالد بن سعید بن عاص و قیس بن سعد بن عباده‌اند. او در این زمینه می‌گوید: عده‌ای از صحابه در عصر پیامبر اکرم (ص) به شیعه علی (ع) معروف بودند. (کرد علی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۴۵).

تشیع زائیده تحولات و حوادث سیاسی و فکری بعد از رحلت پیامبر

۱ - پیدایش تشیع در روز سقیفه

روز وفات رسول خدا (ص)، انصار در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند. خبر به ابوبکر و عمر رسید. آنان به سرعت خود را به آنجا رساندند. انصار خود را مستحق جانشینی پیامبر (ص) می‌دانستند. مهاجران و قریش با استدلال بر اینکه از خویشان و نزدیکان پیامبرند خود را سزاوارتر معرفی می‌کردند. رقابت در میان انصار از طرفی و اتحاد در میان مهاجران حاضر در سقیفه، کار را برای ابوبکر هموار کرد. هر چند حباب بن منذر در دفاع از جانشینی علی (ع) سخن راند ولی عدم حضور بنی هاشم و یاران با وفای حضرت (ع) این ندا هیچ نتیجه‌ای نداشت. اعتراضات دیگران از جمله عباس عموی پیامبر (ص) و فضل بن عباس، و دیگران نیز در پس این مجلس مؤثر نشد. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲ ص ۵۲۱؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۹۸).

اغلب مستشرقان بر اساس برداشتهای خود از منابع و متون تاریخی و کلامی اهل سنت جریان اختلاف بر سر جانشینی پیامبر (ص) در سقیفه را عامل پیدایش دو مذهب شیعه و سنی می‌دانند و از وجود یاران و پیروان علی (ع) و احادیث وارده از پیامبر (ص) در باره این گروه، در قبل از سقیفه هیچ گونه اشاره‌ای نمی‌کنند. در این نگاه تشیع همانند و در عرض دیگر تحولات



سیاسی و فکری و بسان رویدادی ناگهانی که در پی کسب قدرت است به نظر می رسد. از جمله قائلین به این نظریه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) آر، لالانی:

از لحاظ تاریخی، ریشه اسلام شیعی به زمان بلافضل بعد از رحلت حضرت محمد (ص) می رسد که عده ای از صحابه پیامبر (ص)، در سقیفه بنی ساعده در مدینه ابوبکر را به جانشینی برگزیدند. (آرژینا، ۱۳۹۵، ۹).

(۲) دوایت م. روناالدسن:

به خاطر موضوع خلافت و جانشینی جدایی بزرگی در اسلام به وجود آمد و چه کسی جانشین محمد (ص) خواهد شد؟ آیا او دامادش و برادر دینی و هم قسمش را خلیفه می کند؟ و یا اینکه معتقد بود عامه مردم باید خلیفه را انتخاب کنند؟ این مسأله جانشینی، اسلام را به دو طیف تقسیم کرد. (دوایت، ۱۴۱۰، ۱۹).

(۳) برنارد لوئیس:

شکاف بین سنی و شیعیان در آغاز به صورت یک عدم توافق سیاسی بر سر مسأله رهبری امت اسلامی بود. ماجرای جدا شدن شیعیان از اهل سنت با مشاجره بر سر انتخاب خلیفه، رهبر امت و کشور آغاز شد. (برنارد لوئیس، ۱۳۶۸، ۳۳).

(۴) فرانسوا توال:

فهم پدیده تشیع از نظر ژئوپلیتیک مقتضی تفکیک دو وجه یا منظر است.

اولین وجه، به شکل گیری تشیع مربوط است که پس از رحلت پیامبر (ص) در مدتی نزدیک به ۱۵۰ سال در مقام یک اعتراض سیاسی نسبت به جانشینی پیامبر (ص) در رأس امت نوپای اسلامی شکل گرفت.

خلفای نخستین که نقش ریاست مذهب و سیاست را همزمان عهده دار بودند، از میان صحابه پیامبر (ص) منصوب شدند. اعتراضات سیاسی نیز از همین زمان آغاز می شود. (فرانسوا توال، ۱۳۸۰، ۱۱-۱۲).



۵) جان نورمن هالیستر:

تمام مطالعاتی که درباره شیعه صورت گرفته انسان را بی درنگ به مقام علی (ع) و مناسبات او با پیامبر باز می گرداند. این امر موجب پیدا شدن بزرگترین انشعاب در اسلام گردیده است. این انشقاق به مجرد درگذشت محمد (ص) و عنوان شدن مسئله جانشینی پدید آمد. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳، ۸).

نقد / بررسی

در نقد و بررسی مطالب این عقیده می توان گفت: از نظر آنان اختلاف بر سر جانشینی پیامبر (ص) میان انصار و مهاجرین به عنوان یک رویداد سیاسی در مدینه، سبب شد تا یک حزب سیاسی با نام تشیع به وجود آید. نتیجه این سخن آن است که به وجود آمدن تشیع به هیچ وجه مبنای اعتقادی و کلامی ندارد.

عده ای از این مستشرقان بدون توجه به ولایت علی (ع) در غدیر خم و ذکر آن در منابع تاریخی شیعه و سنی، این روز را به عنوان تعیین جانشینی پیامبر (ص) نمی پذیرند. مانند: هاینس هالم می نویسد: منظور از پیامبر (ص) در غدیر خم هر چه بوده باشد، احتمالاً تعیین جانشین نبوده است. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۹).

جالب آن که عده ای دیگر می نویسند که حضرت علی (ع) در غدیر خم به جانشینی محمد (ص) انتخاب شد. همان تعهد بود که از زمان گرد همایی سقیفه موجب اعتراض به ابو بکر گردید. (الیور لیمن، ۱۳۹۳، ۳۱۳).

۲- پیدایش تشیع در جریان قتل عثمان و بیعت با علی (ع)

عثمان به دنبال فساد اداری و مالی و گماشتن افراد نالایق از بنی امیه و خویشان خود در رأس مناصب دولتی، خشم مردم کوفه و مصر را برانگیخت و چون به اعتراضهای مکرر مسلمانان در مورد تغییر استانداران و درخواستهای آنان ترتیب اثر نداد، سرانجام با کشف نامه ای از غلام او در قتل شورشیان، انقلاب و شورشی جدی بر علیه حکومت وی به وجود آمد که منجر به قتل وی گردید و سپس مردم با علی (ع) به عنوان خلیفه و خلافت بیعت کردند.



(مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۶۹۴).

نقل این سند تاریخی نیز با توجه به نوع برداشتهای مستشرقان در وقایع سیاسی شیعه، سبب شده تا عده ای از آنان زمان قتل عثمان و بیعت با علی (ع) را روز آغاز پیدایش شیعه بدانند:

(۱) هاینس هالم:

« در واقع کلمه عربی شیعه به معنی حزب است. شیعه علی (ع) نامی بود که در کشمکشهای ایجاد شده بر سر جانشینی عثمان خلیفه سوم و مقتول در سال ۳۵ ه. ق و ۶۵۶ م، به افرادی داده شد که از پسر عمو و داماد پیامبر (ص) علی (ع) بن ابی طالب طرفداری می کردند. » (هاینس هالم، ۱۳۸۵، ۱۵).

(۲) یولیوس ولهوزن:

« یولیوس ولهوزن » آلمانی از جمله مستشرقانی است که در مسئله منشأ پیدایش شیعه نظریه پردازی کرده است. وی آغاز پیدایش تشیع را بعد از کشته شدن عثمان می داند. او می نویسد:

« با کشته شدن عثمان، اسلام به دو حزب تقسیم شد: «حزب علی» و «حزب معاویه». در زبان عرب، واژه «شیعه» بر حزب نیز اطلاق می شود، لذا، «شیعه علی» در برابر «شیعه معاویه» قرار می گیرد. (ولهوزن، ۱۳۷۵، ۱۳۹). وقتی معاویه قدرت را در دولت مرکزی اسلام به دست گرفت، دیگر تنها رئیس یک حزب نبود، از آن پس، واژه شیعه تنها در پیروان علی استعمال گردید و شیعه در مورد استعمال این واژه با خوارج نیز اختلاف پیدا کردند. »

ولهوزن راجع به اختلاف شیعه با خوارج معتقد است که خوارج، علی را به خاطر اینکه پسر عم و داماد پیغمبر و پدر نوادگان اوست به رهبری نپذیرفتند. زیرا عرب به موروثی بودن رهبری که به عنوان یک حق مشخص پس از مرگ رهبر به نزدیکان او برسد، معتقد نبود، و بالاتر از این اصلاً اسلام چنین زعامتی را به رسمیت نمی شناخت، بلکه خوارج به خاطر این علی را به رهبری برگزیده بودند که برایشان کاملاً روشن بود که علی برترین صحابی اولیه پیامبر است و از



میان همین اصحاب اولیه بود که تا آن زمان خلیفه انتخاب می شد.

وی وضعیت شیعیان علی (ع) را چنین توصیف می کند که شیعه در عراق از قدرت برخوردار بود. شیعیان در واقع یک فرقه صرفاً مذهبی نبودند بلکه در سراسر عراق به یک تفکر سیاسی - مذهبی از آنان یاد می شد. لذا کلیه ساکنان عراق مخصوصاً کوفی ها، با تفاوت هائی اندک شیعه بودند، و این تنها در افراد خلاصه نمی شد، بلکه شامل قبائل و وسای اعضا نیز می گردید و هیچ فرقی نبود، تنها مراتب شأن در « شیعه گری » بود.

در دیدگاه آنان، علی (ع) سمبل سیادت و کرامت از دست رفته سرزمینشان بود و از همین جا بود که تمجید و تعریف از علی (ع) و اهل البیت او آغاز شد، تمجیدی که در زمان حیات علی صورت نمی گرفت و بر این اساس، دیری نپائید که در آغوش مذهبی شریف و بزرگوار، تقدیس و تکریم شخص علی (ع) شروع شد.

ولهوزن منشأ پیدایش شیعه را در کشمکش ها و جریان قتل عثمان می داند و هیچ گونه توضیحی در رابطه با قبل آن، نمی دهد و نیز بیان می کند که شیعیان به خاطر اینکه علی (ع) سمبل سیادت و کرامت از دست رفته سرزمینشان بوده اند دست به تمجید و تعریف از علی (ع) زده اند که می توان گفت این سخنان دور از انصاف بوده و برخوردی مغرضانه است و اینکه شیعیان تنها برای اهداف مادی گرد حضرت بوده اند سخنی بدون دلیل، لغو و بیهوده است.

(۳) مارشال. گ. س. هاجسن:

اصل مذهب شیعه از آنجا بود که عده ای از مسلمانان به پیروی از یکی از پیشوایان صدر اسلام برخواستند. آنان پشتیبان خلافت علی (ع) پسر عمو و داماد پیامبر (ص) پس از کشته شدن سومین جانشین رسول خدا (ص) بودند. (هاجسن، ۱۳۶۹، ۱۰).

(۴) ر.آ. نیکلسون:

امت اسلام تا مرگ عثمان کم و بیش متحد باقی مانده بود. ولی از آن به بعد به دو حزب مشخص، یکی شیعه علی (ع) و دیگری شیعه معاویه تقسیم گردید. چون معاویه خلیفه شناخته شد، شیعه علی (ع) که اکنون به اختصار شیعه خوانده می شود، مستقل ماندند. از آن



پس لفظ

شیعه به تنهایی به معنی فرقه بکار رفته است. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳، ۶).

(۵) توشی هیکو ایزوتسو:

پس از مرگ عثمان آراء بسیاری پدید آمد و سه حزب عمده پا به میدان گذاشت. به نظر، یکی از آنها مشهور به شیعه علی(ع)، و فقط علی(ع) بود که کاملاً حق خلافت داشت. قائلین به این نظریه نیز، به مبانی اعتقادی شیعه، جایگاه علی(ع) در نزد پیامبر(ص) و معرفی وی در یوم غدیر هیچ گونه اشاره و توجهی نکرده و شیعه را در قالب یک جریان و فرقه سیاسی و انحرافی تصور کرده که آبخور پیدایش این تفکر، بعد از قتل عثمان برای کسب قدرت بوده است.

۳- پیدایش تشیع بعد از جنگ جمل تا شهادت حضرت علی(ع)

نظریه دیگر، جنگ جمل و دیگر جنگهای امام علی(ع) با مخالفان را سبب اصلی این جدایی و پیدایش شیعه می داند.

در بیان این دیدگاه و حادثه و زمانی که منجر به ظهور تشیع شد می توان گفت این نظریه تشیع را نوعی عکس العمل عقیدتی و مذهبی گروهی از یاران و پیروان علی(ع) در برابر خوارج می داند که می گفتند امامت امری عمومی است و ویژه افراد خاص نیست. بر اساس این دیدگاه شیعیان در مقابل تکفیر علی(ع) از سوی مخالفان به تنزیه وی پرداختند و امامت او را نیز یک واجب الهی اعلام کردند (صبحی، ۱۴۰۵، ۴۰-۴۱).

(۱) مونتگمری وات

آغاز حرکت شیعه یکی از روزهای سال ۳۷ ه.ق و ۶۵۸ م، بوده است. زمانی که گروهی از پیروان علی(ع) گفتند ما دوستدار کسی هستیم که ترا دوست بدارد و دشمن کسی هستیم که ترا دشمن بدارد (مونتگمری وات، ۱۳۷۰، ۲۰-۶۷).

(۲) ر. ناث

جنگ جمل نشان دهنده آغاز تشیع در اسلام است. ترور علی در کوفه (سال ۴۰ قمری



۱۹ رمضان) احساسات مردم را برانگیخت و پیروانش او را ولی نامیدند (ر.ناث، ۱۳۷۰، ۲۵).

۳) یولیوس ولهوزن

«مسلمانان عراقی کمی بعد، درگیر اختلافی میان فاتحان عرب بر سر جانشینی پیامبر شدند این اختلاف تأثیری یقین کننده روی تاریخ عراق بعد از آن گذاشت. همه، هر چند با بی میلی، چهار خلیفه اول را پذیرفتند، اما اقلیتی از جامعه مسلمانان عرب مشروعیت حاکمان اموی را که از آن پس خلیفه‌گری را موروثی خود ساختند، رد کردند. این گروه اقلیت، خانواده‌ی علی (ع) پسر عمو و داماد پیغمبر (ص) را جانشین برحق او می‌دانستند. این گروه «شیعه» به معنای طرفدار و در این مورد، طرفدار علی (ع) خوانده شدند. به این تربیت «تشیع» به عنوان یک نهضت سیاسی طرفدار حکومت مشروع در میان فاتحان عرب آغاز به فعالیت کرد (یولیوس ولهوزن، ۱۳۷۵).

۴) هاینس هالم

او در کتاب «تشیع» که کتابی نسبتاً مفصل پیرامون شیعه و فرقه‌های مربوط به آن است، در ابتدا به بررسی منشأ شیعه پرداخته است و در بحث‌های بعدی به دوازده امامی و شیعیان دوازده امامی در کشورهای مختلف پرداخته است. ایشان معتقد است برای ذکر منشأ گسترش جداگانه تشیع، اصطلاح «انشعاب» را بی‌تردید می‌توان به کار گرفت. امت صدر اسلام در اثنای مشاجره‌ای بر سر اقتدار واقعی و تعیین رهبر دینی - سیاسی بر سر حق خویش و امام، گرفتار انشعاب شد. لکن وقتی گروه عقب زده شد، به ناچار به موضع مخالف رانده شد، در اندک زمانی در آن ویژگی‌هایی خاص فراتر از علت اصلی این شکاف پدید آمد که عبارت بودند از پیوندی خاص با اولیایشان که همان امامان بودند، سنن شرعی آنان که از امامان اقتباس کرده بودند، اعیاد ویژه و زیارتگاه‌ها، رسوم مذهبی خاصی که با شور و اشتیاق در راه رسیدن به مقصود متحمل می‌شدند و سرانجام ظهور، روحانیتی که منحصر به شیعه است. لکن تفاوت‌های موجود میان شیعیان و اکثریت مسلمانان چندان زیاد نیست که تشیع (دوازده امامی) یا (هفت امامی) را بتوان دین جداگانه‌ای به شمار آورد.



هاینتس هالم در بررسی جایگاه کوفه در گسترش تشیع به این نتیجه می‌رسد که این شهر

در محیطی نظامی و جنگی بر کرانه فرات که بیشتر لشکریان آن را افراد قبایل جنوب عربستان تشکیل می‌دادند پدید آمد و گسترش یافت و هنگامی که حضرت علی (ع) در طول مبارزه برای حکومت به این شهر روی آورد و مورد حمایت قرار گرفت.

به باور وی شیعیان، علی (ع) را تنها خلیفه بر حق می‌دانند و عنوان خلافتی «امیرالمؤمنین» را منحصرأً به آن حضرت نسبت می‌دهند طبق احادیث آنان، خلافت کوتاه مدت آن امام (۳۶-۴۰ق) تنها حکومت مشروعی بوده که امت اسلامی از زمان رحلت پیامبر به خود دیده است؛ با وجود این، خلافت علی (ع) از همان آغاز با مخالفت مواجه شد.

هاینتس هالم با رد انتساب تشیع به ایرانیان معتقد است که نمی‌توان تشیع را تجلی روحیه ایرانی که مدت‌ها عقیده بر آن بوده است و یا انتقام ایران‌گرایی آریایی از اسلام و اعراب تلقی کرد. وی در نهایت می‌نویسد: «باید یادآور شد که شیعه از محافل عربی کوفه سرچشمه گرفت ... پدیده‌ی تشیع به همان اندازه دارای ریشه عربی است که خود اسلام» (هاینتس هالم، ۱۳۸۵، ۱۵-۴۵).

از آنچه ملاحظه شد می‌توان گفت که نویسندگان تشیع را ریشه‌ای کوفی برای آن قایل می‌شود که بعدها افرادی که در کوفه و در اطراف آن حضرت بودند شیعه را به وجود آوردند نه در زمان خود حضرت.

۴- پیدایش تشیع پس از جنگ صفین

آبروی در کتاب «تاریخ اسلام» بعد از ذکر وقایع مربوط به خلفاء و همچنین وقایع مربوط به حضرت علی (ع) و جنگ‌های ایشان با معاویه زمان پیدایش شیعه را مربوط به زمان امویان می‌داند که پیروان و حزب معاویه اهل سنت نام گرفتند و حزب یا پیروان حضرت علی (ع) را شیعه‌ی علی (ع) نامیدند. وی در این باره می‌نویسد:

از همان روزها (زمان جنگ علی (ع) با معاویه) جامعه‌ی اسلامی به سه فرقه‌ی سیاسی و دینی تقسیم شده بود، که با گذشت زمان سیمای دینی آنها آشکارتر شد، و در نتیجه آن اسلام



به یک اکثریت که خود را پیرو سنت می‌دانست، و دو گروه انشعابی تقسیم شد. حزب معاویه که بزودی پیروان فراوان پیدا کرد، اهل سنت یا سنی نام گرفت، و این نه بدان جهت بود که اینان بیش از دیگران از سنت پیغمبر (ص) پیروی می‌کردند، چه همه‌ی مسلمانان یکسان به ارزش این سنت معتقد بودند، بلکه بدان جهت بود که خود را از لحاظ نظری و عملی امانت‌دار راست این سنت تصور می‌کردند، حزب یا پیروان علی (ع) شیعه‌ی علی (ع) خوانده شدند، خوارج نیز خود دارای معتقدات خاص بودند.

۵- برآمدن شیعه در واقعه کربلا

برخی از مستشرقان از جمله بروکلمان، معتقدند که آغاز برآمدن مذهب تشیع در واقعه کربلا و بعد از شهادت امام حسین (ع) است. (بروکلمان، بی تا، ج ۳، ۳۱۹-۳۲۱).
 به نظر می‌رسد صاحبان این تفکر که نشأت گرفته از سنی مذهب‌بان است بین‌پیدایی و تکامل تفکر شیعی و اتفاقات سیاسی از جمله قیام توأبین در انسجام شیعه خلط کرده و ظهور برخی از فرقه‌های شیعه نظیر کیسانیه را به حساب کل جریان تشیع گذاشته‌اند.

۶- تشیع زاده افکار عبدالله بن سبا

اساس این نظریه به فردی به نام سیف بن عمر در قرن دوم هجری باز می‌گردد، و پس از وی برخی از متأخرین از نویسندگان اهل سنت و مستشرقین آن را ترویج کرده‌اند و حاصل آن این است:

از تشیع در زمان رسول خدا (ص) و خلافت شیخین نشان و اثری نبود، تا آنکه در زمان خلیفه سوم فردی به نام عبد الله بن سبا که در آغاز یهودی بود و سپس اظهار اسلام نمود، مسلمانان را به بیعت با علی بن ابی طالب (ع) دعوت کرد، و شایسته‌تر بودن او را به امر خلافت مطرح ساخت، و عده‌ای از مسلمانان نیز از او پیروی کردند و به نام «شیعه علی» نامیده شدند. (نشار، ۱۹۷۷، ۱۸).

نقد و بررسی

این نظریه از سوی عده‌ای از محققان شیعه و اهل سنت و نیز برخی از مستشرقین مورد



نقد قرار گرفته است که چند نمونه را یادآور می‌شویم:

علامه امینی

وی در نقد این نظریه می‌گوید: لازم است در این باره راه احتیاط را برگزینیم، و مقام مسلمانان صدر اسلام را بالاتر از این بدانیم که فردی یهودی از صنعا که به دروغ اظهار اسلام کرده، آنان را بفریبد، به گونه‌ای که مردم و سیاستمداران و متصدیان امر حکومت همگی تسلیم مکر و نیرنگ او شوند و او به گونه‌ای که خود می‌پسندد عقاید مسلمانان را به بازی بگیرد، اینها نه مورد قبول عقل است و نه ارزش تاریخی دارد (امینی، ۱۳۴۹، ج ۹، ۲۲۰).

طه حسین

طه حسین پس از تحلیل و بررسی داستان مربوط به عبد الله بن سبا او را فردی خیالی و حکایت وی را ساخته و پرداخته دشمنان شیعه دانسته است. دلایل وی بر این مدعا چنین است:

- ۱- همه مورخان معتبر اسلامی داستان او را نقل نکرده‌اند.
- ۲- اساس این داستان از سیف بن عمر است که در دروغ پردازی و حدیث‌سازی او شکی نیست.

- ۳- کارهایی که به عبد الله بن سبا نسبت داده شده، از قبیل معجزه است، و از یک فرد عادی ساخته نیست، مگر آنکه مسلمانان را در نهایت ساده لوحی بدانیم.
- ۴- با قبول چنین داستانی، سکوت خلیفه (عثمان) و کارگزاران او در برابر آن قابل توجیه نخواهد بود، در حالی که او با کسانی چون محمد بن ابی حذیفه و محمد بن ابی بکر و عمار و دیگران با شدت برخورد می‌کرد.
- ۵- از فردی به نام عبد الله بن سبا در جنگ صفین و جمل اثر و نشانی یافت نمی‌شود.

(طه، بی تا، ۹۸-۱۰۰).

برنارد لوئیس

عده‌ای از مستشرقین نیز نظریه مزبور را بی اساس دانسته‌اند. برنارد لوئیس ضمن بی‌پایه دانستن آن، دیدگاه «ولهوزن» و «فرید لندر» را در این باره یاد آور شده که پس از نقد و بررسی



مصادر به این نتیجه رسیده‌اند که داستان عبد الله بن سبا ساخته و پرداخته متأخرین است
 (صدر، ۱۳۸۷، ۵۷).

کاشف الغطاء

شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در رد داستان عبد الله بن سبا می‌گوید: «کتب شیعه به اتفاق، عبد الله بن سبا را لعن کرده و از او تبری جسته‌اند و عادی‌ترین تعبیر آنان درباره او این است که وی پلیدتر از آن است که از او یاد شود. (کاشف الغطاء، ۱۳۷۳، ۱۰۶).

علامه عسکری

علامه سید مرتضی عسکری در این باره دست به تحقیق گسترده و عمیقی زده و ثابت کرده است که مدرک داستان یاد شده، تاریخ طبری، و راوی آن سیف بن عمر است که به گواهی علمای رجال متهم به جعل حدیث، و زندقه است. و طبعاً نمی‌توان به روایت وی در این باره استناد نمود (عسکری، ۱۳۷۵).

نکات توضیحی

در کتب ملل و نحل از سبئیة (بر وزن نظریه) به عنوان یکی از فرقه‌های غلات یاد شده است. چنانکه بغدادی نخستین فرقه از فرقه‌هایی را که منتسب به اسلام‌اند ولی در حقیقت از فرقه‌های اسلامی نیستند، فرقه سبئیة دانسته و درباره آن گفته است: «سبئیة پیروان عبد الله بن سبا هستند که در حق علی علیه السلام غلو کردند، نخست او را پیامبر و سپس خدا خواندند. و جمعی از مردم کوفه دعوت او را پذیرفتند، و هنگامی که خبر آنها به علی علیه السلام داده شد، دستور داد آنان را بسوزانند، ولی چون سوزاندن همه آنها را صلاح ندانست، ابن سبا را به سبایط مداین تبعید کرد، و پس از آنکه امام به شهادت رسید، وی شهادت آن حضرت را انکار کرد و گفت او به سان عیسی بن مریم (ع) به آسمان بالا رفته است و بار دیگر به زمین باز خواهد گشت و از دشمنان خود انتقام خواهد گرفت» (صبحی، ۱۴۰۵، ۲۳). پس بر فرض که عبد الله بن سبا وجود خارجی داشته است، نقش او در حد تاسیس یکی از فرقه‌های غلات بوده، و هیچ‌گونه ارتباطی با مذهب شیعه ندارد. در این صورت قبول سبئیة به عنوان یکی از فرقه‌هایی



که در جهان اسلام پدید آمده است، با انکار وجود شخصی به نام عبد الله بن سبا و آنچه درباره

وی در زمان خلافت عثمان در مورد پایه‌گذاری مذهب تشیع از سوی محققان نقل گردید، هیچ گونه منافاتی ندارد.

۷- عده ای نیز برآمدن شیعه را از سوی ایرانیان می دانند

ادوارد براون درباره انتساب پیدایش شیعه و اعتقاد به امامت از سوی ایرانیان، می نویسد: ایرانیان سلطنت را حق آسمانی یا موهبت الهی می دانستند که در دودمان ساسانی به ودیعه قرار گرفته بود و این عقیده تأثیر عظیمی در سراسر تاریخ ادوار بعدی ایران داشته است. علی الخصوص علاقه شدید ایرانیان به مذهب تشیع تحت تأثیر همین عقیده است که محکم به مذهب تشیع چسبیده‌اند (ادوارد براون، ۱۳۶۷، ج ۴، ۲۶).

وی همچنین در جلد دوم تاریخ ادبیات ایران می نویسد:

«از همان آغاز، برخی از شیعیان مقام علی را چنان بالا بردند که جنبه الوهیت یافت و هم اکنون جمعی کثیر در ایران، که علی الهی خوانده می شوند، ایرانیان از روزگار قدیم به حق الهی معتقد بودند و از انتخابات عمومی و دمکراتیک که موافق طبع اعراب بود، بیزاری بسیار داشتند. از این رو کاملاً طبیعی بود که اساس و ارکان مذهب شیعه از آغاز به دست ایرانیان ساخته شود و نیز بی شک اعتقاد این مردم به امام چهارم و اعقاب او بدان سبب محکمتر گشته بود که مادر او را از شاهزادگان ساسانی می دانستند.» (ادوارد براون، ۱۳۶۷، ج ۲، ۲۸۶).

مستشرقانی که قرن اخیر به این قبیل مسائل پرداخته‌اند، بدان دلیل که در زمان آنها، اکثریت مردم ایران بر مذهب تشیع بوده‌اند، در پی کشف علت آن برآمده‌اند. آنها که همیشه در صدد حل این قبیل مسائل از راه پیگیری زمینه‌های روحی و پیشینه‌های فکری هستند، بدون توجه به تاریخ تشیع در بلاد عربی، تشیع را مذهبی ایرانی معرفی کرده‌اند.

مخالفان این نظریه

باید اشاره کرد که این دیدگاه و نظریه، دارای مخالفانی نیز می باشد چنانچه گلدزیهر یادآوری می کند که:



«این گفته خطاست که کسی بگوید منشا و مراحل رشد تشیع از اثر تعدیل یافته افکار ایرانیان در اسلام است. این توهم شایع مبتنی بر درك غلط حوادث تاریخی است. حرکت علویین در يك منطقه عربی خالص شکل گرفته است. او می افزاید: تشیع همچون خود اسلام منشا عربی داشته کما این که اصول او نیز در همان محیط عربی شکل گرفته است».
 (تسیهر، ۱۹۴۶، ۴۰۴-۴۰۵).

هاینتس هالم با رد انتساب تشیع به ایرانیان معتقد است که نمی توان تشیع را تجلی روحیه ایرانی که مدت ها عقیده بر آن بوده است و یا انتقام ایران گرایی آریایی از اسلام و اعراب تلقی کرد.

وی در نهایت می نویسد: «باید یادآور شد که شیعه از محافل عربی کوفه سرچشمه گرفت ... پدیده ی تشیع به همان اندازه دارای ریشه عربی است که خود اسلام» (هاینتس هالم، ۱۳۸۵، ۱۶-۴۵).

حقیقت شیعه درنگاه اندیشمندان تشیع

آنچه مطرح گردید دیدگاه مستشرقان درباره پیدایش تشیع با نگاهی برون دینی بود. اکنون شیعه برای دفاع ازحقیانیت خود با رویکردی درون دینی و استناد به منابع شیعه و سنی به دفاع از مبانی فکری و اعتقادی خود می پردازد.

در آغاز سخن باید گفت: دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که حضرت محمد (ص) در همان روز بانگ کلمه «لا اله الا الله» در ده ها و کوه های مکه بر آورد (الهامی، ۱۳۷۵، ۴۱). زیرا وقتی آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعراء/۲۱۴) نازل شد و پیامبر (ص) بنی هاشم را گرد آورد و به آنها هشدار داد و دل آنان را از عذاب خدا بیمناک ساخت فرمود: «هرکدام از شما مرا یاری دهد او وصی و خلیفه من در میان شما باشد. هیچ یک از حاضران به درخواست آن حضرت جز علی (ع) پاسخ مثبت نداد.» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ۸۶۶؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۶۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۲۰۶).

بنابر این دعوت به پیروی از علی (ع) از سوی صاحب رسالت (ص) همگام و هم زمان



با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته است. شاید تصور کنیم عنوان شیعه (جز پس از گذشت

مدتی طولانی از زمان ظهور اسلام) به دوست داران و پیروان اهل بیت (ع) اختصاص نیافت. بدین معنا آنگاه که دوستان اهل بیت (ع) رو به فزونی نهادند و در سرزمینهای مختلف پراکنده شدند این عنوان به آنها منسوب گشت تا از سایرین ممتاز و مشخص شوند، اما این تصور درست نیست. زیرا اگر در احادیث نبوی به جستجو بپردازیم می یابیم که اختصاص این عنوان به دوست داران اهل بیت (ع) همراه با همان روزی که اسلام طلوع کرد، دارای سابقه می باشد.

در روایات فراوانی که از طرق اهل سنت و منابع معروف آنها، و همچنین در منابع معروف شیعه نقل شده، آیه «أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (آنها بهترین مخلوقات خدا هستند) به علی (ع) و پیروان او تفسیر شده است.

حاکم حسکانی نیشابوری که از دانشمندان معروف اهل سنت در قرن پنجم هجری است این روایات را در کتاب معروفش «شواهد التنزیل» با اسناد مختلف نقل می کند، و تعداد آن بیش از بیست روایت است که به عنوان نمونه چند روایت را از نظر می گذاریم:

۱- ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ نازل شد پیغمبر اکرم (ص) به علی ع فرمود: هو انت و شیعتک تاتی انت و شیعتک يوم القيامة راضیین مرضیین، و یاتی عدوک غضبانا مقحمین: "منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود (در بعضی از نسخه های حدیث مقحمین آمده است که به معنی بالا نگاهداشتن سر به وسیله غل و زنجیر می باشد). (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۳۵۷).

۲- در حدیث دیگری از ابو برزه آمده است که وقتی پیغمبر اکرم ص این آیه را قرائت کرد، فرمود: هم انت و شیعتک یا علی، و میعاد ما بینی و بینک الحوض: آنها تو و شیعیانت هستید، ای علی! و وعده من و شما کنار حوض کوثر است! (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۳۵۹).



۳- در حدیث دیگری از جابر بن عبد الله انصاری آمده است که ما خدمت پیغمبر اکرم (ص) کنار خانه خدا نشسته بودیم علی (ع) به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر (ص) به او افتاد فرمود: قد اتاکم اخی: برادر من به سراغ شما می آید سپس رو به کعبه کرد: فقال و رب هذه البنية! ان هذا و شيعته هم الفائزون يوم القيامة: به خدای این کعبه قسم که این مرد و شیعیانش در قیامت رستگارانند سپس رو به سوی ما کرد و افزود: اما والله انه اولکم ایمانا بالله، و اقومکم بامر الله، و اوافاکم بعهد الله و اقضاکم بحکم الله و اقسمکم بالسوية، و اعدلکم فی الرعية، و اعظمکم عند الله مزية. قال جابر: فانزل الله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّيةِ فكان علی اذا اقبل قال اصحاب محمد (ص) قد اتاکم خیر البرية بعد رسول الله. به خدا سوگند او قبل از همه شما به خدا ایمان آورد، و قیام او به فرمان خدا بیش از همه شما است، و فایش به عهد الهی از همه بیشتر، و قضاوتش به حکم الله افزونتر، و مساوتش در تقسیم (بیت المال) از همه زیادتر، عدالتش در باره رعیت از همه فزونتر، و مقامش نزد خداوند از همه بالاتر است. جابر می گوید: در اینجا خداوند آیه إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّيةِ را نازل فرمود و از آن به بعد هنگامی که علی (ع) می آمد یاران محمد (ص) می گفتند: بهترین مخلوق خدا بعد از رسول الله آمد (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۳۶۲).

«آنان (اولئک هم خیر البریه) علی (ع) و شیعیان او هستند. آنان رستگاران روز قیامت هستند.» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ۳۷۸).

۴- در حدیثی دیگر پیامبر اکرم فرمود: «یا فاطمه، علی و شیعیان او رستگاران فردا هستند.» (اخطب خوارزم، ۱۳۸۵، ۲۰۶).

نیز طبق گزارشات منابع تاریخی گروهی از بزرگان صحابه در زمان رسول خدا (ص) به ولایت و دوستی نسبت به علی (ع) معروف بوده اند، مانند: سلمان فارسی، ابوسعید خدری، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، حذیفه بن الیمان، خزیمه بن ثابت و..... (الهامی، ۱۳۷۵، ۴۲)
 تعدادی از این افراد در زمان بیعت گیری از مردم برای خلیفه اول، با همراهی علی (ع) به بیعت با ابوبکر سر باز زدند و به خانه آن حضرت پناه بردند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ۵۲۴).



بنابراین موضوع دوستی و پیروی از خاندان پیامبر (ص) به روزگاران آن حضرت بر می

گردد. بر اساس روایات تاریخی پس از در گذشت پیامبر (ص) که موضوع جانشینی ایشان مورد اختلاف نظر قرار گرفت همین افراد از صحابه بر اساس نص و دستور صریح آن حضرت از حقانیت خاندان طهارت که نماینده آنان علی بن ابیطالب (ع) بود سخن گفته و از آن امام بزرگوار به عنوان شایسته ترین نامزد خلافت جانبداری کردند. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵).

نتیجه

با بررسی دیدگاه مستشرقان درباره خواستگاه و پیدایش مکتب تشیع و ارزیابی علل و زمینه های ارائه چنین دیدگاهی از سوی آنان به نظر می رسد با توجه به اختلاف نظر موجود در اراء آنها، حکایت از نوعی تشتت فکری در رجوع به منابع (به ویژه منابع اهل سنت) و طرز تفکر و نوع نگاه آنها به تشیع و نیز تاریخ تحولات درونی شیعه به عنوان یک جریان فرقه ساز است. از منظر آنان اختلاف بر سر جانشینی پیامبر (ص) و نزاع برای کسب قدرت سیاسی حول محور امام علی (ع) و دیگر تحولات تاریخی شیعه در دفاع از حقانیت خود، به عنوان یک جریان فرقه ساز که به دنبال جدایی از اصل اسلام است سبب شد تا یک حزب سیاسی با نام تشیع به وجود آید. نتیجه این حرف آن است که تشیع به صورت یک فرقه منحرف از اسلام جدا شده و به تدریج در یک فرایند زمانی به وجود آمده و تکامل یافته است و امروز به عنوان یک قدرت سیاسی در خاورمیانه قدرت نمایی می کند. براساس شواهد تاریخی و آموزه های اسلامی به طور عام و مبانی تشیع به طور خاص منشأ پیدایش تشیع به روزگار پیامبر (ص) بر می گردد. بر اساس روایات تاریخی پس از در گذشت پیامبر (ص) که موضوع جانشینی ایشان مورد اختلاف نظر قرار گرفت از میان صحابه پیامبر (ص) افرادی طبق نص و دستور صریح آن حضرت از حقانیت علی بن ابیطالب (ع) سخن گفته از آن امام بزرگوار به عنوان شایسته ترین نامزد خلافت جانبداری کردند.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. آرزینا، لالانی، نخستین اندیشه های شیعی، مترجم: فریدون بدره ای، فرزان روز، ۱۳۹۵.
۲. ابن ندیم، الفهرست، دار المعرفه، بیروت.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی تا، بی جا.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی ۱۳۷۱ ش.
۵. ابن حزم، ابی محمد علی، الفصل فی الملل و الالهواء و النحل، بیروت، دارصادر، چاپ اول ۱۳۱۷ ق.
۶. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، العبر، دار الفکر، لبنان، ۱۳۶۳.
۷. ابن عطیه اندلسی عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۲۲ ق.
۸. ابو حاتم رازی، احمد بن حمدان، الزینه فی الکلمات الاسلامیه و العربیه، مرکز الدراسات و البحوث الیمنی، ۱۴۱۵ ق.
۹. ادموند باسورث، کلیفورد، سلسله های اسبابی جدید، ترجمه فریدون بدره ای، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فتح الله مجتبایی، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۱۱. ادوارد سعید، شرق شناسی ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. احمدوند، عباس، شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ میلادی).
۱۳. اخطب خوارزم، المناقب، منشورات مکتبه الحیدریه، نجف ۱۳۸۵ ه.ق.
۱۴. اشعری سعد بن عبدالله، تاریخ عقاید و مذاهب شیعه، ترجمه یوسف قصابی، نشر آشیانه کتاب، تهران، چاپ اول.
۱۵. اشعری سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، رکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۶. الدسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، ترجمه: محمود رضا افتخارزاده،



- نشر هزاران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۷. الهامی، داود، سیری در تاریخ تشیع، مکتب اسلام، اول، ۱۳۷۵.
۱۸. الوائلی، احمد، هویه التشیع، تحقیق موسسه السبطين عليهم السلام العالمیه، قم، موسسه السبطين العالمیه، ۱۴۲۸ق.
۱۹. الیورلیمن، دانشنامه قرآن کریم، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، تهران، دوم، ۱۳۹۳.
۲۰. امینی، عبدالحسین، الغدیر، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۴۹.
۲۱. انصاری بویر احمدی، علی، شیعیان عربستان، آشیانه مهر، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۲۲. ایزوتسو، توشی هیکو، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، تهران نشر سروش، چاپ اول ۱۳۷۸ش.
۲۳. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، شیعه شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲۴. بروکلمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، ترجمه: تجار عبد الحلیم، دار الكتاب الإسلامی، چاپ اول، بی تا.
۲۵. برنارد لوئیس، تشیع و مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات)، نشر فاروس ایران، تهران، ۱۳۶۸ش.
۲۶. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، نشر مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش.
۲۷. تسیهر، اجنتس جولد، العقیده و الشریعه، دار الرائد العربی - بیروت - لبنان، ۱۹۴۶.
۲۸. تقیزاده داوری، محمود، تصویر شیعه در دایرة المعارف آمریکانا، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۲۹. جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۳۰. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، تهران، ۱۴۱۱ق.
۳۱. حمید، ملک مکان، امیر جوان آرسته، مصطفی سلطانی، تشیع در عراق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۹ش.



۳۲. دوايت م. رونالدسن، عقیده الشيعه، ترجمه عربی (ع.م)، نشر مفید، بیروت چاپ اول ۱۴۱۰ق.
۳۳. رابرت ا. هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۷، ۱۳۷۷ش.
۳۴. ر.ناث، اسلام در ایران شعوبیه، ترجمه محمود افتخارزاده، تهران، چاپ اول، نشر میراث‌های تاریخی اسلام، ۱۳۷۰.
۳۵. رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، نشر معشر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۶. سبط الشیخ، موسی، شیعه در اسلام، کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ش.
۳۷. سید محمد باقر صدر، تشیع یا اسلام راستین، ترجمه علی اکبر مهد پیور، تهران، نشر روزبه.
۳۸. سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، منشورات مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۹. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم نشر دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۴۰. صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) تهران، چاپ اول ۱۳۸۳ش.
۴۱. صبحی، احمد محمود، فی علم الکلام، درسه فلسفیه لاراء الفرق الاسلامیه فی اصول الدین، دارالنهضة العربیه، بیروت ۱۴۰۵.
۴۲. صدر، محمد باقر، نشأة التشیع والشیعة، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
۴۳. طباطبائی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، تهران، چ ۱۳۷۱، نشر فرهنگ اسلامی.
۴۴. طباطبائی، سید محمد حسین، ظهور شیعه، نشر فقیه، ۱۳۶۰ش.
۴۵. طباطبائی، سید محمد حسین، الشیعة نص الحوار مع المستشرق کوربان، موسسه ام القرى، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ش.
۴۷. طبری، محمد ابن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش.
۴۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.



۴۹. طه، حسین، علی و بنوه، دار المعارف، قاهره، بی تا.
۵۰. ظاهر، سلیمان، تاریخ الشیعه (السیاسی الثقافی الدینی)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۲۰۰۲م.
۵۱. عاملی، سید حسن امین، مستدرک اعیان الشیعه، دار التعارف، ۱۴۲۱ق.
۵۲. عبداللهی، حسین، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، مطبوعاتی مطهر ۱۳۶۲ش.
۵۳. عسکری، مرتضی، عبد الله بن سبا، نجف، اول، ۱۳۷۵ش.
۵۴. فان فلوتن، تاریخ تشیع وعلل سقوط بنی امیه، ترجمه حائری، نشر اقبال، تهران، ۱۳۲۵.
۵۵. فرانسواتوال، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوقی ونینی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۰.
۵۶. فقیه ایمانی، مهدی، تاریخ تشیع اصفهان از دهیه سوم قرن اول تا پایان قرن دهم، مؤلف، چاپ اول ۱۳۷۴ش.
۵۷. فیاض، عبدا...، پیدایش و گسترش تشیع، ترجمه سید جواد خاتمی، نشر ابن یمین، چاپ اول، سبزوار، ۱۳۸۲.
۵۸. کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، تحقیق علاء آل جعفر، مؤسسة الإمام علی علیه السلام، ۱۳۷۳.
۵۹. کامل مصطفی شیبی، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه علی اکبر شهابی، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۶۰. کرد علی، محمد، خطط الشام، مكتبة النور، دمشق، ۱۴۰۳ق.
۶۱. گلدزیهر، عقیده و الشریعه، قاهره، ۱۹۴۵م.
۶۲. محمد حسین زین عاملی، شیعه در تاریخ، محمد حسین عطایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
۶۳. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه، هاشم ایزدپناه، نشر داروین، آمریکا، ۱۳۷۴.
۶۴. مختار الیثی، سمیره، جهاد شیعه، ترجمه محمد حاجی تقی، شیعه شناسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.



۶۶. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۶۷. مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، کتابفروشی اشراقی، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.
۶۸. مظفر، محمد حسین، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم ۱۳۷۹.
۶۹. مظفر، محمدرضا، السقیفه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۵ق.
۷۰. مغنیه، محمد جواد، الشیعه و الشیع، مکتبة المدرسة و دار الكتاب اللبنانی، بیروت، بی تا.
۷۱. مغنیه، محمد جواد، الشیعه و الحاکمون، دار الجواد، بیروت، چاپ پنجم، ۱۹۸۱م.
۷۲. مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالكتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۷۳. مک اولیف، جین دمن، ۱۳۹۴، دائره المعارف قرآن، ترجمه خندق آبادی و دیگران، جلد ۳.
۷۴. آرزینا لالانی، مدخل شیعه، ترجمه امیرمازیار، موسسه انتشارات حکمت، تهران
۷۵. مونتگمری وات، فلسفه و کلام اسلامی، ترجمه ابوالفضل غزنی، قم، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۰.
۷۶. نشار، علی سامی، نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلامی، دار المعارف، قاهره، ۱۹۷۷م.
۷۷. نعمه، عبد الله، روح الشیع، دار البلاغة - بیروت لبنان، بی تا.
۷۸. ولهوزن، یولیوس، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه؛ محمود افتخارزاده، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۷۹. هاجسن، مارشال، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، چاپ سوم، نشر سازمان انتشارات و آموزش، ۱۳۶۹.
۸۰. هاینس هالم، شیع، ترجمه محمد تقی اکبری، قم، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸۱. یعقوبی، محمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، (تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۸۲ش).
۸۲. یولیوس ولهوزن، تاریخ سیاسی صدر اسلام شیعه و خوارج، ترجمه، افتخارزاده، نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۵.